



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخهء تفسیر توراہ ربای خیم شیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توراہ، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنرا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونهء زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توراہ

Beyond the Fringe

Shelach Lecha

شلخ لخا: فراسوی آویزهای صیصیت

پاراشای این هفتهی ما با یکی از دستورهایی مهم تورات پایان می یابد: صیصیت و آویزهایی که در گوشه های لباس ما همچون یادآور همیشگی هویت یهودی و تعهد ما به رعایت قوانین تورات قرار می گیرند:

خدا با موسی سخن گفت و خواست تا موسی به بنی اسرائیل بگوید و به آنها یادبدهد که در تمام نسل ها برای خود آویزهایی در گوشه ی لباس هایشان نصب کنند.

از آنها بخواه که بندی بیرنگ به آویز هر گوشه از لباس بیفزایند. این خواهد بود آویز شما: به آنها بنگرید و تمام دستورهایی خداوند را به یاد آورده، اجرا کنید تا به دنبال هوس قلب و چشم های خود نروید که در گذشته شما را میرا ساختند. این گونه به یاد خواهید داشت که همه ی دستورهایی مرا اجرا کنید و برای خدای خود مقدس باشید.

این دستور به حدی اهمیت دارد که بعدها به بیتی در دعای شمع اسرائیل، مهمترین اعلام ایمان یهودی، تبدیل شد. تفسیر زیرا را از معلم ربای دکتر ناحوم رابینوویچ شنیدم.

او ابتدا به برخی عناصر عجیب این دستور اشاره کرد. از یک سو حکیمان تلمودی گفته اند که دستور صیصیت مساوی است با همه‌ی دستورهای دیگر روی هم رفته و آمده: "آنها بین و همه‌ی دستورهای خداوند را به یاد بیاور و رعایت کن." پس این دستور، اهمیت بنیادین دارد.

از سوی دیگر، مطلقاً اجباری نیست. ممکن است از دستور آویزها با هیچ گاه پوشیدن لباس هایی دارای چهار آویز یا بیشتر برای همیشه سرپیچی کرد. هارامبام این گونه بیان می کند: "هرچند کسی مجبور به تهیه‌ی لباسی [دارای چهار آویز] و پوشیدن آن جهت رعایت دستور صیصیت نیست، اما برای یک فرد پرهیزکار درست نیست که خود را از این دستور معاف بدارد." (قوانین صیصیت ۳:۱۱). انجام آن مهم است، اما اجباری نیست. مشروط است: اگر چنین لباسی داری، پس باید به آن آویزها را وصل کنی. چرا؟ بیشک می بایست مانند تفیلین بستن اجباری می بود.

پدیده‌ی نامعمول دیگری هم هست. در طول زمان، این رسم برای اجرای دستور به دو شکل بسیار متفاوت دگرگون شده است: اولی به شکل تالیت که روی لباس های دیگر می پوشیم، به ویژه به رنگ سفید هنگام دعا؛ دومی به شکل یک زیرپیراهنی که هنگام روز زیر لباس ها می پوشیم.

نه تنها یک دستور را به دو شکل اجرامی کنیم، بلکه دعاها‌ی متفاوتی برای هر یک داریم. برای تالیت می گوئیم: "که ما را با دستورهایش تقدیس کرده و به ما امر فرموده که خود را با جامه ای آویزدار بپوشانیم." چرا یک دستور این گونه به دو دستور تقسیم شده است؟

او چنین پاسخ داد: دو گونه لباس هست. لباس هایی که می پوشیم تا تصویری از خود القا کنیم. یک پادشاه، قاضی و سرباز هر یک لباس هایی می پوشند که فرد را می پوشانند، اما نقش، نهاد و جایگاه او را نمایان می سازند. این گونه لباس ها و به ویژه یونیفورم ها می توانند گمراه کننده باشند. یک پادشاه که لباس فقرا را پوشیده باشد، به عنوان شاه شناخته نمی شود. فقیری که چون شاه لباس بپوشد، مورد احترام قرار می گیرد. پلیس در لباس پلیس دارای اقتدار و هاله ای از قدرت است، حتی اگر هراسان و ناامن باشد. لباس ها ما را تغییر ظاهر می دهند. مانند نقاب، چهره‌ی فرد را پنهان می کنند. لباس هایی که در فضای همگانی می پوشیم تا حالتی را القا کنیم نیز چنین هستند.

اما لباس های دیگری هستند که هنگام تنهایی می پوشیم و بیش از هر چیز دیگر می توانند واقعیت ما را نشان دهند: هنرمند در استودیوی خود، نویسنده پشت میز کارش، و باغبان هنگام مراقبت از گل های سرخ. آنها برای تأثیرگذاری لباس نمی پوشند. برعکس، مطابق آنچه هستند و نه آنچه می خواهند دیده شوند، لباس می پوشند.

دو نوع صیصیت نماینده ای این دو گونه لباس پوشیدن هستند. هنگام دعا در قلب خود حس می کنیم که چقدر در پیشگاه خواسته های خدا از ما کوچک و بی ارزش هستیم. نیاز داریم که به شکل چیزی بیشتر از خود در پیشگاه خدا حاضر شویم. ما خود را در جامه ای به نام تالیت می پوشانیم که نماد اصلی یهودیان هنگام دعا است. ما فردیت خود را پنهان می کنیم – به بیان دعای پوشیدن تالیت، ما "خود را با جامه ای آویزدار می پوشانیم". مانند آن است که به خدا می گوئیم: شاید من فقط گدایی باشم، اما جامه ای شاهانه به تن دارم: جامه ای اسرائیل را که طی قرون به درگاه تو دعا کرده اند و تو به آنها عشق خاص خود را نشان داده و آنها را قوم خود دانسته ای. تالیت فردیت ما را پنهان می سازد و آنچه می خواهیم نشان دهیم را نمایش می دهد، زیرا هنگام دعا از خدا می خواهیم که قاضی ما برای آنچه می خواهیم باشیم و نه آنچه هستیم، باشد.

اما نمادین بودن عمیقتر صیصیت در آن است که کلیت دستورها را نمایندگی می کند ("آنها بین و تمام دستورهای خدا را به یاد بیاور") – و اینها بخشی از آن چیزی است که وقتی آنها را بدون اجبار و از روی اختیار آزاد بپذیریم، کسب می کنیم. از این روی دستور صیصیت اجباری نیست. اجباری به رعایت آن نداریم. مجبور به خریدن جامه ای دارای چهار آویز نیستیم. اگر چنین کنیم، به اختیار خودمان است. خودمان متعهد می شویم. از این روی، گزینه ی پوشیدن صیصیت، نماد پذیرش آزادانه ی همه ی وظایف زندگی یهودی است.

این درونی ترین، صمیمانه ترین و پررنگترین جنبه ی ایمان شخصی ما است که روح درون ما به خدا و دستورهای او سرسپرده است. چیزی همگانی در این رفتار نیست. برای نمایش بیرونی اجرا نمی شود. شخصیت ماست در تنهایی و وقتی که نمی خواهیم روی کسی تأثیر بگذاریم و خود را چیزی نشان دهیم که نیستیم. به این دلیل دستور پوشیدن صیصیت به عنوان زیرجامه، در زیر لباس و نه روی آن بیان شده است. نمی خواهیم خود را زیر یک یونیفورم پنهان کنیم. بلکه، به بیان درونی ترین تعهد خود به کلام خدا و فراخوان او برای ما می پردازیم. ما برای این کار دعایی می خوانیم: "که به ما دستور میصوای صیصیت را داده، زیرا آنچه مهم است، نه نقاب، بلکه واقعیت است؛ نه آنچه می خواهیم به نظر بیاییم، بلکه آنچه واقعاً هستیم.

صیصیت به این روش تکان دهنده، نماینده‌ی طبیعت دو بُعدی یهودیت است. از یک سو راهی است برای زندگی همگانی، اجتماعی و مشترک با دیگران در دنیا و در طول دوران‌ها. ما شبات را نگه می‌داریم، جشنواره‌ها را جشن می‌گیریم، قوانین غذا خوردن و طهارت خانواده‌ای را که قرن‌ها است تغییر نکرده‌اند، رعایت می‌کنیم. این روی همگانی یهودیت است: تالیتی که می‌پوشیم، ردایی بافته شده از ۶۱۳ رشته که هر یک نشان یک دستور است.

اما ما همچون مردمی دیندار دارای یک زندگی درونی نیز هستیم. چیزهایی هست که به خدا می‌گوییم، ولی به هیچ کس دیگر نمی‌توانیم بیان کنیم. او افکار، امیدها، و ترس‌های ما را بهتر از خودمان می‌داند. ما با او در خلوت روح خود سخن می‌گوییم و او می‌شنود. این گفتگوی درونی و گشودن قلب ما به خداوندی که با عشق به ما هستی داده، نمایشی عمومی نیست، بلکه مانند زیرجامه‌های آویزدار ما پنهان می‌ماند، اما جنبه‌ای واقعی از روحانیت یهودی است. دو نوع جامه‌ی آویزدار نماینده‌ی دو بُعد از زندگی ایمانی است – نقاب بیرونی و شخصیت درونی: تصویری که به دنیا نشان می‌دهیم و چهره‌ای که فقط به خدا نمایان می‌کنیم.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved